



درآمد

شیخ علی العفی که آشنایی او با شهید سیدعباس موسوی به شروع تحصیل حوزوی شان در نجف اشرف برمی گردد و در کنار یکدیگر دوره‌های سختی را پشت سر گذاشته‌اند، از عشق عمیق و صادقانه آن شهید به شهادت در راه خدا و وظیفه سنگینی که بر دوش هر مسلمانی در تحقق وعده‌های الهی گذاشته شده است و از خودگذشتگی‌ها و دوران‌دیشی‌های کم‌نظیر آن شهید می‌گوید و...

گفت‌وگویی شاهد یاران با شیخ علی العفی یکی از همکلاسی‌های شهید سیدعباس موسوی

در عشق به شهادت صادق بود...

نیروهای سپاه یاران و فرستادگان امام خمینی (ره) برای یاری رسانی به مستضعفان و آموزش مردم لبنان جهت دفاع از سرزمین‌های اسلامی، آمده بودند. در اینجا بود که نقش محوری و رهبری سیدعباس موسوی کاملاً نمایان گشت. ایشان در کنار کار تبلیغی و سیاسی مدیریت پایگاه‌ها و آموزشگاه‌های مجاهدان مقاومت در جنوب و بقاع غربی را نیز بر عهده داشت. به همین علت کار تدریس در حوزه را کنار گذاشت و من به ناچار اداره حوزه را بر عهده گرفتم.

به یاد می‌آورم روزی مبلغ ۶ هزار دلار نزد ایشان بردم و گفتم این پول حق سادات است خواهش می‌کنم از من بگیرید و در راه‌هایی که خود مصلحت می‌دانید استفاده کنید و کمی از آن را هم برای اداره حوزه قرار دهید. اما ایشان کل پول را به من بازگرداند و گفت همه این پول را در حوزه مصرف کنید.

سیدعباس علاوه بر مسائل لبنان آیا سایر مسایل جهان اسلام را نیز پیگیری می‌کرد؟

سید شهید همواره اوضاع مسلمانان جهان، اعم از ایران اسلامی و جنگ تحمیلی صدام تا لبنان و اشغال جنوب لبنان و فلسطین و سرنوشته آوارگان و بینوایان فلسطینی را که متحمل همه نوع ظلم و ستم صهیونیست‌ها بوده و مورد بی‌مهری رژیم‌های عربی قرار گرفته بودند تا افغانستان و کشمیر، همه را پیگیری می‌کرد.

سید را چگونه انسانی یافتید؟

من ایشان را انسانی شجاع و آزاده و بخشنده و زاهد و پر جرات و مجاهدی آگاه و فروتن یافتم. او در همه جا و در همه زمینه‌ها ضرب‌المثل و نمونه در میان هم‌سنان خود بود. او یار و همراه ما در نجف اشرف و در لبنان در حوزه امام منتظر و در تجمع علماء المسلمین در بقاع بود. او با شهادت خود معلم ما و ما به مثابه شاگردان او در مدرسه‌اش، مدرسه جهاد و شهادت گشتیم. ای ابا یاسر خدا تو را رحمت کند. تو در عشق به شهادت صادق بودی و زودتر از همه ما به این مقام نائل گشتی و منزلتی یافتی که هر محب علی و حسین (ع) غبطه تو را می‌خورد. از خداوند مسئلت داریم تا شهادت را نیز نصیب ما کند تا به منزلت تو دست یابیم و در ملاً اعلی و با عهدی که بستیم در کنار هم باشیم. والحمدالله رب العالمین ■

شیخ صبحی طفیلی موفق به زیارت ایشان شدم و از من خواست که جهت تدریس و تبلیغ در حوزه امام منتظر که آن زمان شور و حال دیگری در اثر شروع انقلاب مبارک اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) ایجاد شده بود، با آنان همراه گردم آنان برای قانع کردن من از آیت‌الله سیدمحمدحسین فضل‌الله دام‌طله کمک خواستند. من نیز به علت این که آیت‌الله سید محمدباقر صدر از سوی رژیم بعث عراق خانه نشین و ممنوع‌التدریس شده بود، به ناچار پذیرفتم که در لبنان بمانم و با برادران در حوزه همکاری نمایم.

علاوه بر جناب‌عالی چه افرادی در این حوزه تدریس می‌کردند؟

پس از گذشت چند ماه برادران دیگری چون شیخ محمد المقداد و شیخ محمد زبیک و سید ابراهیم الامین به تدریس در حوزه پیوستند. دیری نپایید که هسته اولیه تجمع علمای

این فعالیت‌ها درست با مسائل لبنان و حمله همه‌جانبه رژیم غاصب صهیونیست به لبنان در سال ۱۹۸۲ میلادی به اوج رسید و نقش علمای دین در بسیج مردمی مقاومت بر علیه صهیونیست‌ها به ویژه با همراهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به لبنان آمده بودند بیش از پیش هویدا شد

مسلمان در بقاع به ابتکار شهید سیدعباس موسوی شکل گرفت. در کنار تدریس و تبلیغ به کار سیاسی نیز پرداختیم. این فعالیت‌ها درست با مسائل لبنان و حمله همه‌جانبه رژیم غاصب صهیونیست به لبنان در سال ۱۹۸۲ میلادی به اوج رسید و نقش علمای دین در بسیج مردمی مقاومت بر علیه صهیونیست‌ها به ویژه با همراهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به لبنان آمده بودند بیش از پیش هویدا شد. پس از اشغال لبنان توسط اسرائیل و حضور برادران سپاه پاسداران، مبارزات سیدعباس چه روندی داشت؟

جناب‌عالی چه زمانی با شهید سیدعباس موسوی آشنا شدید؟

اولین بار هنگامی که سیدعباس موسوی برای تحصیل علم به نجف اشرف آمد او را شناختم او به حق طلبه‌ای کوشا و مؤدب بود. آنچنان هنگام درس بی حرکت به سخنان استاد گوش می‌داد که گویی پرنده‌ای روی سرش نشسته است. هرگز تأخیر نمی‌کرد و حتی، یک روز غیبت نداشت. این ویژگی یک طالب علم موفق است. استاد هم دانشجویان خویش را بر اساس این ملاک‌ها می‌سنجد. درس سطوح را نزد آیت‌الله شیخ محمد تقی جواهری فرا گرفتیم. من فقط یک روز غیبت داشتم زیرا، بر سر درس آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر حاضر شدم. و طبیعی بود که روابط محکمی میان من و سیدعباس ایجاد شود. حتی، زمانی که ایشان درس سطوح را نزد استادان دیگری چون علامه شیخ محمد جعفر شمس‌الدین و علامه سیدمحمدباقر حکیم فرا می‌گرفت. و از آنجا که دروس حوزه در سه قسمت مقدمات و سطوح و بحث خارج است، به همین علت نزد برخی اساتید و علمای بزرگ و مراجع تقلید چه در فقه یا اصول یکدیگر را ملاقات می‌کردیم به ویژه هنگام درس خارج نزد آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر (ره). در آن هنگام به یاد می‌آورم که شهید سیدعباس با علامه شیخ حسن طراد (ره) در راه بازگشت به منزل همراه می‌شد تا از بحث و تبادل نظر با ایشان در راه منزل استفاده کند و این مسئله نشان می‌دهد که سید شهید چگونه در نجف اشرف از هر لحظه برای کسب علم بهترین استفاده را می‌کرد. در عین حال او به عده‌ای از طلاب نیز درس می‌داد. و آموخته‌های خود را با احساس مسئولیت به دیگران منتقل می‌کرد.

به چه علت زود هنگام به لبنان بازگشت؟

در سال ۱۳۹۸ هجری قمری هنگامی که جهت تبلیغ به لبنان رفته بود. نیروهای امنیتی عراق در نجف اشرف به حمله وسیع و دستگیری علمای نجف دست زدند و در صدد بازداشت سیدعباس برآمدند. اما ایشان آن زمان در لبنان بود و به همین علت به عراق بازنگشت و در شهر بعلبک با همکاری تعدادی از طلبه‌ها حوزه امام منتظر را تأسیس نمود و این حوزه سر فصل جدیدی از فعالیت‌های اسلامی و حوزوی در منطقه بقاع لبنان گشود. هنگامی که در تابستان ۱۹۷۸ میلادی به بعلبک رفته بودم به اتفاق آقای